

وب سایت مهدی سیاح زاده «نی نامه» بخش هفتم

www.sayahzadeh.com

شرح و تفسیر

نی نامه مثنوی معنوی

مهدی سیاح زاده

بخش هفتم

برگرفته از کتاب «و چنین گفت مولوی»

مهدی سیاح زاده

انستیتو پژوهش ایران - لس آنجلس - چاپ دوم ۱۳۸۱ (۲۰۰۲)

شرکت کتاب - لس آنجلس - چاپ اول ۱۳۸۹ (۲۰۱۰)

انتشارات مهر اندیش - تهران - چاپ دوم ۱۳۹۴ (۲۰۱۵)

۷

سرّ من از ناله ی من دور نیست لیک چشم و گوش را این نور نیست

۷/۱

چشم و گوش دل

مولوی پس از بیان این که با حس هایمان نمی توانیم اسرار «نی» را بفهمیم، برای توضیح بیشتر می گوید: گمان نکنید که «نی» بیهوده می نالد، در ناله ی «نی» که همین محتوای مثنوی است، اسراری نهفته است، که دیدن و شنیدن آن با چشم و گوش زیست زمینی، ممکن نیست.

این «من» کیست که می گوید: «سرّ من»؟ تردیدی نیست که نی دارد حرف می زند. یعنی «آدم درون» ما دارد شرح فراق را «روایت» می کند. ظاهر بین ها، صورت پرستان و کسانی که فقط با چشم و گوش تن خود مثنوی را می خوانند و تفسیر می کنند، با خواندن اولین بیت مثنوی:

بشنو این نی، چون شکایت می کند

از جدایی ها شکایت می کند

گمان می کنند که به راستی نی (آدم) دارد از خدا شکایت می کند. در حالی که این گونه نیست. همانطور که گفتیم، ناله ی نی در واقع شرح و روایت جدایی از نیستان و

معشوق ازلی اوست. نه بیان احساس این فراق. مولوی خود این موضوع را به روشنی در یک بیت در همین دفتر اول بیان می کند:

من ز جان جان شکایت می کنم
من نیم شاکِی، روایت می کنم
۱۷۸۱/۱

پس نی در ناله های ظاهراً شکایت آمیز خود، راز و رمز هستی را گفته. می ماند این که باید «چشم و گوش دل» را بر روی این ناله ها بگشایی. دل در عرفان منبع نور الهی است. وقتی چشم و گوش دل را برای درک ناله های نی گشودی، «سِرّ نی» بر تو آشکار می شود و با گستره ی جهان هستی و آنسوی هستی نیز در ارتباط می شوی. اما چشم و گوش تن قادر به انجام این کار نیست. چون همانگونه که گفته شد، چشم و گوش تن ما از جنس «هوای ناپیدای درون نی» نیست.
